



تحلیل دکتر رنایی از نقش زنان در جامعه و توسعه

## توسعه یعنی زنان از پستوی خانه بیرون بیایند

زنان توانمند در درون خانواده محقق شود. او می‌افزاید: به گمان من از این پس بذر توسعه‌گرایی و توسعه‌خواهی و توانمندی‌های لازم برای آن باید در خانواده و از طریق خانواده در وجود فرزندان ما کاشته شود و به همین دلیل می‌توان گفت توسعه آینده ایران را زنان رقم می‌زنند. اگر ما زنان توانمند داشته باشیم توسعه شکل می‌گیرد و اگر نه و آنها فقط دانشمند شوند و فاقد توانمندی‌های توسعه‌ای باشند، بذر توسعه در نسل آینده ما جوانه نخواهد زد. رنایی با تأکید بر اینکه فعالیت‌های سیاسی وقتی توسعه‌گرا هستند که با حفظ ضوابط اخلاقی و اصول توسعه باشند و در واقع به شیوه امامی صورت بگیرد، ادامه می‌دهد: فعالیت‌های سیاسی از جنس بعثتی بی‌دوام خواهد بود و پس از مدتی ناپدید خواهد شد، بنابراین بانوان عضو جمعیت زنان مسلمان توانمند باید از هم‌اکنون برای تبدیل حرکت خود به یک نهضت مدنی و نه یک جنبش صرف سیاسی تلاش کنند؛ عصر فعالیت‌های سیاسی درست مانند عصر تکیه بر نفت تمام شده و باید پذیرفت که در دنیای مدرن امروز قدرت سیاسی از این پس تنها و تنها در دست نهادهای مدنی پویا و فعال و توانمند خواهد بود. نهضت‌ها و جنبش‌های مدنی تنها در شرایطی قادر به راه‌اندازی یک حرکت گسترده مدنی خواهند بود که از ابزارهای مهم و در دسترس ارتباطی برای آموزش و توانمندسازی و گسترش مشارکت و ایجاد قدرت مدنی و تشکیلاتی خود به بهترین شکل ممکن استفاده کنند. زنان باید گفت‌وگو را بیاموزند

او با اعتقاد به اینکه آگاهی‌بخشی و توانمندسازی زنان در حوزه‌های مختلف باید اولویت نخست زنان توانمند مسلمان پیش از فعالیت‌های حزبی و سیاسی باشد، ادامه می‌دهد: زنان ایرانی باید توانایی گفت‌وگو درباره موضوعات و معضلات مختلف پیرامون خود مانند محیط‌زیست، آلودگی، اسیدپاشی، ترافیک، انتخابات، مسائل شهری و نظایر آن را بیاموزند، این همان چیزی است که نه‌تنها زنان بلکه مردان جامعه در طول دهه‌های گذشته از آن بی‌بهره بوده‌اند. بدون توانایی گفت‌وگوی جمعی، هیچ فرایند توسعه‌ای شکل نخواهد گرفت. رنایی در این میان به نیازمندی‌های زنان جامعه هم اشاره می‌کند: زنان باید برای بیان مطالبات اجتماعی خود به درجه مطلوبی از اندیشه و سپس انسجام‌بخشی اجتماعی برسند؛ یعنی توانمندی‌ها و نیازمندی‌های خود را بشناسند، آنها را به صورت منطقی بیان کنند و برای رسیدن به اهداف خود بتوانند به‌صورت جمعی مشارکت و همکاری کنند. این که چند نفر اصلاح‌طلب در طول ماه‌های آینده و به دنبال اوج‌گیری یک‌شور اجتماعی و موج هیجانی شانس بیشتری برای ورود به مجلس را پیدا کنند یا نه؛ چندان مهم و قابل توجه نیست و تحقق یا عدم تحقق آن تأثیر چندانی بر آینده توسعه کشور ندارد، اما اینکه تشکلهای حزبی زنانه و مردانه تا چه حد برای توانمندسازی زنان در مسیر توسعه تلاش می‌کنند، موضوعی است که باید در صدر همه تلاش‌ها قرار گیرد؛ زیرا آثار بلندمدت و بین‌نسلی خواهد داشت. در یک کلام تا زمانی که زنان ایرانی از نظر اجتماعی توانمند نشده باشند، توسعه ایران در محاق خواهد ماند، در واقع توانمندسازی زنان مهم‌ترین زیرساخت نرم‌افزاری توسعه است.

امروز توسعه بر محور توانمندسازی زنان استوار شده و جامعه برای توسعه همه‌گیر و همه‌جانبه نیازمند مدیران مردرونی است که به جای بهره‌مندی از (Q)ضریب هوشی) باید از (EQ) هوش اجتماعی) بهره بیشتری برده باشند: جامعه برای حرکت در مسیر توسعه لزوماً به وجود افراد دانشمند وابسته نیست، بلکه به افراد توانمندی وابسته است که بتوانند در تحول مناسبات اجتماعی مشارکت جدی داشته باشند.

او توان ساختن خودرو را توسعه نمی‌داند؛ حتی یک خودرو پیشرفته‌ساختن یا خریدن خودرو را هم توسعه نمی‌داند. او تولید خودرو را صرفاً رشد اقتصادی می‌داند. از نظر رنایی توسعه زمانی رخ می‌دهد که ما می‌توانیم در کنار هم و با هم یک نظام رانندگی و ترافیکی انسانی و کم‌هزینه را ایجاد کنیم و این نیازمند توانمندی‌های ویژه‌ای است، مثل اینکه ما آن قدر توانمند و بزرگ شویم که بتوانیم نیم سانت پای خود را روی پدال گاز کمتر فشار دهیم، آن وقت است که در رقابت‌های سیاسی نیز قادر خواهیم بود به‌صورت اخلاقی و انسانی رقابت کنیم و بدون آسیب و ضربه‌زدن به دیگران، تحولات بنیادینی را در بطن جامعه خود ایجاد کنیم.

به گفته این اقتصاددان، ارتقای توانایی گفت‌وگو، صبوری در مشارکت اجتماعی، تصمیم‌گیری‌های عقلانی، نقدپذیری و توانایی نقدکردن، ریسک‌پذیری، نوآوری، تحرک و نشاط در جامعه از ضرورت‌های رفتن به سوی یک جامعه توسعه‌یافته و لازمه‌های پویایی یک جامعه در عصر نوین است. متأسفانه امروز نه‌تنها احاد جامعه در ایران، بلکه مسئولان کشوری نیز فاقد توانایی گفت‌وگو برای تبادل عقاید و نظرات با یکدیگر هستند و نقد چهره‌به‌چهره را تمرین نکرده‌اند و به همین علت نقدهای خود به یکدیگر را از طریق سخنرانی‌های خود اعلام می‌کنند. مردم ایران هم همین‌طورند؛ آنها یا سکوت می‌کنند یا ... یعنی نقد نمی‌کنند، وقتی قدرت ندارند سکوت می‌کنند و وقتی قدرت پیدا کردند، شورش می‌کنند. به همین علت ملت ما در چند قرن اخیر هر ۳۰ سال یک‌بار یک تحول بزرگ از نوع جنگ، انقلاب، کودتا و ... را تجربه کرده است.

### توسعه آینده ایران را زنان رقم می‌زنند

نقش مادران در تربیت فرزندان صبور و اهل گفت‌وگو در جامعه مهم است. ورود واقعی به مرحله توسعه‌یافتگی نیازمند تربیت نسلی توسعه‌گرا و دارای توانمندی‌های توسعه‌ای است، اما آن گونه که رنایی می‌گوید: «متأسفانه به علت شیوه ناصحیح نظام آموزش پایه در ایران، این توانمندی‌ها به کودکان ما داده نمی‌شود. به علت مشکلاتی که اکنون از نظر بودجه و مسائل استخدامی وجود دارد، متأسفانه دولت هم به نظر نمی‌رسد بخواهد یا بتواند دست کم تا نسل بعد در این نظام آموزشی تحولی ایجاد کند، بنابراین به نظر می‌رسد ما دست‌کم تا ۵۰ سال دیگر نیز قادر به تحول شیوه آموزشمان به سوی آموزش EQ محور نیستیم، بنابراین از طریق نظام آموزش رسمی قادر به تربیت کودکان توسعه‌گرا نخواهیم بود». به اعتقاد این اقتصاددان، این وظیفه مهم، یعنی وظیفه تربیت کودکان با توانمندی‌های توسعه‌ای باید به خانواده محول و منتقل و این امر باید توسط مادران

زمانی می‌توانیم ادعا کنیم ایران در مسیر توسعه قرار گرفته که زنان را از پستوخانه‌های منازل به بیرون بکشانیم و تمایل و عادت رفت‌وآمد بین خانه و گشت‌وگذار در بازار را به عادت به رفت‌وآمد در مسیر منزل به کتابخانه و منزل به نهادهای مدنی تبدیل کنیم». این بخشی از سخنرانی محسن رنایی است که در آیین افتتاحیه دفتر جمعیت زنان مسلمان نواندیش (شاخه اصفهان) به زبان آورد. او می‌گوید: «از آنجا که معتقدم تا تحولی در مناسبات و نقش اجتماعی زنان ما رخ ندهد هیچ تحولی در توسعه یافتگی جامعه رخ نخواهد داد، در نشست‌ها و برنامه‌هایی که به‌نوعی کمک به توانمندسازی و اجتماعی‌شدن زنان است مشارکت کرده‌ام. پذیرش دعوت برای شرکت در مراسم افتتاحیه دفتر جمعیت زنان نواندیش نیز از همین روی بوده است.»

### حضور صوری و تبلیغی زنان در جامعه

رنایی، داستان توسعه در تاریخ یک‌صد سال گذشته در ایران را غریب و افسوس‌ناک، توصیف می‌کند: انقلاب مشروطه، برنامه‌های نوسازی رضاخان، جنبش ملی‌شدن نفت و انقلاب اسلامی ایران هرکدام به شکل و شیوه خاصی به دنبال مدرن‌سازی یا تغییر آتی، لحظه‌ای و یکباره در جامعه ایرانی بوده‌اند و نوعی کار بعثتی تلقی می‌شوند. در حالی که همراه با آنها کار امامتی آرام و عمیق صورت نگرفته است و به همین علت، ما دوباره به نقطه اول بازگشته‌ایم و مسائل‌مان همچنان همان‌هایی که بوده باقی مانده است. او با طرح این پرسش که «ما برای بانوان ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه کردیم؟» به سیاست و مواجهه با زنان اشاره می‌کند که در سال‌های بعد از انقلاب به کار گرفته شده است: «سیاست ما درباره زنان و دخترانمان در سال‌های بعد از انقلاب نیز از جنس همان اقدامات بعثتی بود، یعنی برنامه‌های شکلی و تحولات صوری اما فاقد عمق و ماندگاری. مثلاً در حالی که ما در سال‌های پس از انقلاب بین پنج تا شش میلیون خانم را در دانشگاه‌ها آموزش داده و فارغ‌التحصیل کرده‌ایم، اما نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایرانی در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۲ درصد و اکنون براساس آمارهای رسمی ۱۳٫۲ درصد شده است یعنی پس از گذشت ۳۷ سال و تأکید بر حضور زنان ایرانی در صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و مدنی و پرکردن دانشگاه‌هایمان از دختران و زنان، نرخ مشارکت اقتصادی زنان فقط ۱۲٫۲ درصد افزایش یافته است. رنایی سپس این آمار را تحلیل کرده و یک نتیجه‌گیری می‌کند که آن هم «حضور گسترده زنان در دانشگاه‌ها که بخشی به علت برنامه‌های تشویقی دولت‌ها و بخشی به علت مشکلات اقتصادی خانواده‌ها و تعویق ازدواج دختران و سوق دادن آنها به دانشگاه‌ها بوده، تأثیر حقیقی در تحول نقش زنان در جامعه ما نداشته است، یعنی حضور زنان در جامعه ما صوری و تبلیغی بوده است.»

### جامعه به EQ نیاز دارد

این عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان به دانشمند شدن زنان ایرانی در دانشگاه‌ها اشاره می‌کند که موجب توانمند شدن آنها نشده است. رویه‌ای که او آن را تأسف‌برانگیز می‌خواند: تئوری‌های